

قانونی بدون حامی؟ واکاوی علل تعهدگریزی نهادها در قوانین مرتبط با ازدواج و جمعیت در ایران

محمدرضا مظفرپور طارمی، طهورا نوروزی

۱- گروه حقوق دانشگاه عدالت، m.mozaffarpour@iau.ac.ir

۲- مدرس دانشگاه، گروه حقوق دانشگاه عدالت

چکیده

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر با چالش‌های جدی جمعیتی از جمله کاهش نرخ رشد جمعیت و افزایش سن ازدواج مواجه بوده است. قانونگذار جهت حل این چالش، قوانینی چون «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» و «قانون تسهیل ازدواج جوانان» را مصوب و ابلاغ نموده است ولی در عمل شکاف عمیقی بین اهداف تصویب‌شده این قوانین و نتایج محقق‌شده وجود دارد. این مقاله نشان می‌دهد که مشکل اصلی نه در ذات قوانین، بلکه در «عدم حمایت نهادی» دستگاه‌های متولی اجرا، نهفته است. در این پژوهش ضمن واکاوی و تحلیل ریشه‌ای علل ترک فعل نهادهای مسئول در اجرای این قوانین، از روش تحلیل محتوای کیفی و با اتکا به داده‌های ثانویه شامل متن قوانین، گزارش‌های عملکرد دستگاه‌های اجرایی، گزارش‌های نظارتی مرکز پژوهش‌های مجلس، دیوان محاسبات و بازرسی کل کشور استفاده شده است.

یافته‌ها حاکی از آن است که ترک فعل نهادها را می‌توان در چهار دسته عامل کلیدی طبقه بندی کرد: اول علل ساختاری که شامل پراکندگی مسئولیت، موازی‌کاری و فقدان یک نهاد راهبری متمرکز و قوی می‌شود، دوم علل سیاسی و بودجه‌ای که موارد عدم تأمین اعتبارات پایدار، تغییر اولویت‌های سیاسی با تغییر دولت‌ها و تقدم مسائل اقتصادی کلان را در بر می‌گیرد، سوم علل فرهنگی و سازمانی که اعم از مقاومت در برابر تغییر، ضعف فرهنگ پاسخگویی و عدم باور عمیق در بدنه بوروکراتیک به اهداف قوانین می‌باشد و چهارم علل نظارتی و حقوقی که عبارتند از ضعف مکانیزم‌های پایش، ارزیابی و عدم وجود ضمانت‌های اجرایی قوی برای نهادهای متخلف.

قوانین مذکور در عمل با چالش «عدم حمایت نهادی» روبرو هستند و تحقق اهداف آنها مستلزم تحولی بنیادین است که شامل شفاف‌سازی و تجمیع مسئولیت‌ها، تأمین مالی پایدار، ایجاد سامانه پایش و ارزیابی مستقل و نهادینه کردن فرهنگ تعهد و پاسخگویی در دستگاه‌های اجرایی است.

کلمات کلیدی: سیاست‌های جمعیتی، قانون جوانی جمعیت، قانون تسهیل ازدواج، تحلیل اجرا، تعهدگریزی نهادی، ایران.

بخش اول: کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه و بیان مسأله

جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر با یک «تحول پارادایمی» در شاخص‌های جمعیتی روبرو بوده است؛ گذار از الگوی باروری بالا به سطح زیر سطح جایگزینی^۱ که همراه با افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ تشکیل خانواده و پدیده «سالخوردگی جمعیت» در آینده‌ای نه چندان دور، تهدیدی جدی برای پویایی، امنیت و توسعه پایدار کشور قلمداد می‌شود. پاسخ سیاستی قانونگذار به این چالش چندبعدی، تصویب قوانینی چون «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» (مصوب ۱۴۰۰) و «قانون تسهیل ازدواج جوانان» (مصوب ۱۳۹۰ و اصلاحات بعدی) بوده است. این قوانین با تصویب مواد و تبصره‌های متعدد، تکالیف مشخصی را برای طیف وسیعی از نهادها و دستگاه‌های اجرایی، قضایی و مالی تعیین کرده‌اند.

با این وجود، مشاهدات میدانی و داده‌های آماری رسمی حاکی از آن است که شکاف عمیقی بین اهداف تصریح‌شده در این قوانین و نتایج محقق‌شده در عرصه اجتماعی وجود دارد. به عنوان مثال، علیرغم تصویب این قوانین، نرخ رشد جمعیت همچنان روند نزولی داشته، سن ازدواج به طور مستمر افزایش یافته و هزینه‌های تشکیل خانواده کماکان سیر صعودی طی کرده است. این پارادوکس (تصویب قانون در غیاب تحقق اهداف) این پرسش بنیادین را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا مشکل از ذات و محتوای قوانین است یا از مرحله اجرا و پیاده‌سازی آن؟

این مقاله با تمرکز بر مرحله «اجرا»، استدلال می‌کند که مشکل اصلی، پدیده تعهدگریزی نهادی^۲ است. به عبارت دیگر، بسیاری از دستگاه‌های مکلف، یا به طور کامل به تکالیف قانونی خود عمل نکرده‌اند و یا اقدامات آنها فاقد اثربخشی، پایداری و انسجام لازم بوده است. این پژوهش در پی آن است تا با واکاوی این پدیده، به شناسایی و تحلیل ریشه‌ای علل ساختاری، سیاسی، فرهنگی و نظاری این تعهدگریزی بپردازد.

۱-۲- اهداف پژوهش

هدف اصلی:

واکاوی و تبیین علل تعهدگریزی نهادهای مسئول در اجرای قوانین «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» و «تسهیل ازدواج جوانان» در ایران.

اهداف ویژه:

¹ Total Fertility Rate below replacement level

² Institutional Non-compliance

۱. شناسایی و تبیین مهم‌ترین موانع ساختاری و نهادی فراروی اجرای کامل قوانین مذکور.
۲. تحلیل نقش عوامل سیاسی و بودجه‌ای در تعهدگریزی دستگاه‌های اجرایی.
۳. بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی و عوامل فرهنگی-اجتماعی بر ضعف در اجرای قوانین.
۴. ارزیابی نقشه نظارتی و میزان اثربخشی مکانیزم‌های موجود در پایش و الزام نهادها به اجرای تکالیف قانونی.
۵. ارائه راهکارهای سیاستی عملیاتی و کاربردی برای بهبود روند اجرا و کاهش شکاف موجود.

۳-۱- سوالات پژوهش

سؤال اصلی:

علل و عوامل تعهدگریزی نهادهای متولی در اجرای قوانین جوانی جمعیت و تسهیل ازدواج جوانان در ایران چیست؟

سوالات فرعی:

۱. مهم‌ترین موانع ساختاری و نهادی در اجرای این قوانین کدامند؟
۲. عوامل سیاسی و بودجه‌ای تا چه اندازه در بروز پدیده تعهدگریزی نقش داشته‌اند؟
۳. مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی دستگاه‌ها چگونه بر ضعف در اجرا تأثیر گذاشته‌اند؟
۴. سیستم نظارتی موجود برای اطمینان از اجرای این قوانین تا چه میزان کارآمد بوده است؟

۴-۱- پیشینه پژوهش

در این بخش به طور خلاصه به مطالعات پیشین اشاره می‌شود:

- **مطالعات داخلی:** تعدادی از مقالات به بررسی محتوای این قوانین، چالش‌های حقوقی آنها یا تحلیل برخی آثار اجتماعی پرداخته‌اند (مثال: مقالات ۵ و ۶ به بررسی حقوقی ماده ۵۶ قانون جوانی جمعیت پرداخته است). برخی گزارش‌های پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس نیز به صورت موردی به ارزیابی اجرای برخی مواد قانونی اشاره کرده‌اند. با این حال، شکاف پژوهشی این مقاله در مقایسه با مطالعات پیشین، در «نگاه کل‌نگر، نظاممند و تحلیلی» به پدیده «تعهدگریزی» به عنوان یک مسئله سیاستی چندبعدی است، نه صرفاً بررسی محتوای قانون یا یک دستگاه خاص.

- **مطالعات خارجی:** تحقیقات بسیاری در جهان به تحلیل شکاف اجرا^۳ در سیاست‌های عمومی، به ویژه سیاست‌های خانواده و جمعیت پرداخته‌اند. نظریه‌هایی مانند اتصال ناقص^۴ بین سیاست و عمل، نقش دینفعان^۵ و نظریه نمایندگی^۶ می‌توانند چارچوب مناسبی برای تحلیل وضعیت ایران ارائه دهند. این پژوهش قصد دارد از این چارچوب‌ها بهره‌برد.

۱-۵- چارچوب نظری

این تحقیق از تلفیق دو چارچوب نظری اصلی بهره خواهد برد:

۱. **نظریه شکاف اجرا^۷:** این نظریه استدلال می‌کند که همواره فاصله‌ای بین اهداف سیاست‌ها و نتایج عملی آنها وجود دارد. این شکاف می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی از جمله ابهام در اهداف، ضعف در منابع، مقاومت مجریان و عدم وجود پشتیبانی سیاسی باشد.
۲. **تحلیل نهادی^۸:** این چارچوب بر نقش قواعد رسمی و غیررسمی، ساختارهای تشویقی (ساختارهای انگیزشی) و روابط بین نهادها در تعیین نتایج سیاست‌ها تأکید دارد. در این پژوهش، نهادهای متولی (دستگاه‌های اجرایی) به عنوان بازیگران عقلانی در نظر گرفته می‌شوند که در پاسخ به انگیزه‌ها و محدودیت‌های نهادی عمل می‌کنند. ترکیب این دو چارچوب، لنز تحلیلی قدرتمندی برای فهم «چرایی» تعهدگریزی نهادها فراهم می‌کند.

۱-۶- روش شناسی

- **روش تحقیق:** این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. رویکرد حاکم بر تحقیق، کیفی خواهد بود.
- **روش گردآوری داده‌ها:** روش اصلی گردآوری داده‌ها، مطالعه اسناد و مدارک (کتابخانه‌ای) است. داده‌های مورد نیاز از طریق بررسی منابع زیر جمع‌آوری خواهد شد:
 - متون قانونی (قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی).
 - گزارش‌های عملکرد سالانه دستگاه‌های اجرایی مرتبط (وزارت ورزش و جوانان، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه و...).

³ Implementation Gap

⁴ Loose Coupling

⁵ Stakeholders

⁶ Agency Theory

⁷ Implementation Gap Theory

⁸ Institutional Analysis

○ گزارش‌های تحلیلی و نظارتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دیوان محاسبات کشور و سازمان بازرسی کل کشور.

○ آمار و داده‌های منتشرشده توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی.

○ مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و کتب مرتبط.

- **روش تحلیل داده‌ها:** برای تحلیل داده‌های کیفی، از روش **تحلیل محتوای کیفی**^۹ استفاده خواهد شد. در این روش، محتوای اسناد و گزارش‌ها به صورت نظام‌مند، کدگذاری شده و در ذیل مقولات اصلی (مانند موانع ساختاری، سیاسی، فرهنگی و نظارتی) دسته‌بندی و تحلیل خواهند شد.

بخش دوم: مبانی نظری و حقوقی

۱-۲- واکاوی مفاد کلیدی قوانین: تبیین تکالیف شفاف دستگاه‌ها

این بخش به تحلیل محتوای دو قانون مذکور می‌پردازد تا تکالیف دقیق و قانونی هر نهاد به طور شفاف استخراج گردد. این امر مبنای ارزیابی «تعهدگرایی» در بخش‌های بعدی خواهد بود.

الف) قانون تسهیل ازدواج جوانان (مصوب ۱۳۹۰ و اصلاحات بعدی):

- **ماهیت قانون:** این قانون عمدتاً بر «تسهیلات مالی» و «زمینه‌سازی اقتصادی» متمرکز است.
- **مفاد و تکالیف کلیدی:**
 - **تأسیس صندوق حمایت از ازدواج:** (ماده ۱) تکلیف به تأسیس صندوقی برای جمع‌آوری و تجهیز منابع مالی.
 - **پرداخت وام قرض‌الحسنه ازدواج:** (ماده ۲) تعیین میزان وام، شرایط پرداخت و بازپرداخت آن.
 - **تکلیف به دستگاه‌ها:** این قانون به صورت مستقیم و غیرمستقیم به نهادهای مختلفی تکلیف کرده است، از جمله:
 - **بانک مرکزی:** الزام بانک‌ها به پرداخت وام ازدواج.
 - **وزارت کشور و استانداری‌ها:** نظارت بر عملکرد صندوق حمایت از ازدواج.
 - **سازمان برنامه و بودجه (بودجه کشور):** تأمین و تخصیص اعتبارات لازم.

⁹ Qualitative Content Analysis

ب) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (مصوب ۱۴۰۰):

- ماهیت قانون: این قانون بسیار جامع تر است و ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی را پوشش می دهد.
- مفاد و تکالیف کلیدی (نمونه هایی بارز):
 - ماده ۵۶: تکلیف به وزارت راه و شهرسازی: اختصاص حداقل ۵۰ درصد از واحدهای مسکونی طرح های مسکن ملی به متاهلین فاقد مسکن و دارای فرزند.
 - ماده ۵۷: تکلیف به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: ایجاد «صندوق جمعیت» برای حمایت از زوج های جوان و پرداخت کمک های مالی.
 - ماده ۵۸: تکلیف به سازمان برنامه و بودجه: پیش بینی اعتبارات لازم در لوایح بودجه سالانه برای اجرای قانون.
 - ماده ۶۱: تکلیف به وزارت ورزش و جوانان: ارائه خدمات مشاوره ای، آموزشی و فرهنگی به جوانان برای تشکیل و تحکیم خانواده.
 - مواد متعدد: تکلیف به قوه قضائیه: ایجاد دفاتر ویژه دادگاه خانواده، اجرای سریع تر احکام مربوط به مهریه و نفقه.

۲-۲- شناسایی نهادهای متولی اصلی و نقش هر یک

از واکاوی قوانین فوق، می توان نهادهای کلیدی زیر را به عنوان بازیگران اصلی شناسایی کرد:

ردیف	نهاد متولی	تکالیف و مسئولیت‌های کلیدی (بر اساس قوانین)
1	وزارت ورزش و جوانان	سیاست‌گذاری کلان، هماهنگی بین دستگاه‌ها، ارائه خدمات فرهنگی و مشاوره‌ای.
2	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	اجرای طرح‌های حمایت معیشتی، مدیریت «صندوق جمعیت»، حمایت از کودکان.
3	سازمان برنامه و بودجه کشور	تأمین و تخصیص به موقع و کافی اعتبارات مالی در بودجه سنواتی.
4	وزارت راه و شهرسازی	تخصیص ترجیحی مسکن به خانواده‌های جوان و دارای فرزند.
5	بانک مرکزی و شبکه بانکی	پرداخت تسهیلات و وام‌های قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری.
6	قوه قضائیه	ایجاد و تقویت دادرسی تخصصی خانواده، تسریع در رسیدگی به پرونده‌های خانوادگی.
7	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	ارائه خدمات بهداشت باروری، غربالگری و کاهش هزینه‌های زایمان.
8	صدا و سیما	فرهنگ‌سازی و تولید محتوای مناسب برای ترویج ارزش خانواده.

این جدول به وضوح نشان می‌دهد که اجرای موفق این قوانین، نیازمند هماهنگی بین‌دستگاهی فوق‌العاده قوی و عملکرد زنجیره‌ای و منسجم این نهادها است. عملکرد ضعیف حتی یک نهاد می‌تواند کل زنجیره را با اختلال مواجه کند.

بخش سوم: یافته‌های پژوهش (علل ترک فعل و تعهدگریزی)

این بخش به ارائه و تحلیل داده‌های تحقیق اختصاص دارد. یافته‌ها در ذیل چهار مقوله اصلی (ساختاری، سیاسی، فرهنگی و نظارتی) دسته‌بندی و ارائه می‌شوند.

۳-۱- علل ساختاری و نهادی

- **پراکندگی و موازی‌کاری:** یکی از عمده‌ترین موانع شناسایی‌شده، نبود یک ستاد فرماندهی واحد و مقتدر است. مسئولیت‌ها بین وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف پراکنده شده و در بسیاری از موارد، همپوشانی و تداخل وظایف به چشم می‌خورد. برای مثال، هم «صندوق حمایت از ازدواج» و هم «صندوق جمعیت» به موضوع حمایت مالی می‌پردازند که منجر به تشتت منابع و سردرگمی متقاضیان شده است.
- **ابهام در آیین‌نامه‌های اجرایی:** بسیاری از مواد قانونی، فاقد آیین‌نامه اجرایی شفاف و به موقع هستند یا آیین‌نامه‌های مصوب دارای ابهامات زیادی می‌باشند. این امر به دستگاه‌های اجرایی بهانه‌ای برای «ترک فعل» یا تأخیر در اجرا می‌دهد.
- **فقدان نظام یکپارچه اطلاعاتی:** نبود بانک اطلاعاتی یکپارچه از گروه هدف اصلی (یعنی جوانان در شرف ازدواج و خانواده‌های جوان)، برنامه‌ریزی دقیق، تخصیص هدفمند منابع و پایش اثربخشی را با مشکل مواجه کرده است.

۳-۲- علل سیاسی و بودجه‌ای

- **تغییر اولویت‌ها با تغییر دولتها:** سیاست‌های جمعیتی ذاتاً بلندمدت هستند، اما با تغییر دولت‌ها، اولویت‌های سیاسی و بودجه‌ای به سرعت تغییر می‌کند. پروژه‌ها و برنامه‌هایی که توسط دولت قبلی آغاز شده بود، ممکن است توسط دولت جدید کنار گذاشته شده یا با شدت کمتری پیگیری شود.
- **عدم تأمین اعتبارات پایدار:** مهم‌ترین علت تعهدگریزی دستگاه‌ها، ناپایداری و عدم کفایت منابع مالی است. بودجه‌های مصوب اغلب به صورت کامل تخصیص نمی‌یابند یا در میانه سال، جهت تأمین سایر هزینه‌ها، جذب می‌شوند. برای مثال، ماده ۵۸ قانون جوانی جمعیت که تأمین اعتبار را تکلیف می‌کند، در عمل به دلیل کسری بودجه‌های مکرر دولت، به طور کامل محقق نشده است.
- **تقدم مسائل اقتصادی کلان:** در شرایط رکود تورمی، تحریم و کسری بودجه، مسائل حیاتی‌تری مانند پرداخت یارانه‌ها و حقوق کارمندان در اولویت قرار می‌گیرد و سیاست‌های جمعیتی که ماهیت حمایتی و آینده‌نگر دارند، به حاشیه رانده می‌شوند.

۳-۳- علل فرهنگی و سازمانی

- **مقاومت در برابر تغییر در بدنه ادارات:** دستگاه‌های اجرایی ایران عموماً سازمان‌های سنتی با اینرسی و لختی بالا و بدون چابکی هستند. ایجاد یک برنامه یا رویه جدید اغلب با مقاومت منفعلانه کارکنان و مدیران میانی روبرو می‌شود که ترجیح می‌دهند بر اساس روال‌های قبلی عمل کنند.
- **فقدان فرهنگ پاسخگویی¹⁰:** در بسیاری از موارد، هیچ مکانیزم بازخورد و پاداش و تنبیه قوی برای عملکرد خوب یا بد دستگاه‌ها در رابطه با این قوانین خاص وجود ندارد. بنابراین، اجرای قانون برای مدیران به یک اولویت و دغدغه شخصی تبدیل شده است تا یک تکلیف حتمی.
- **کم‌توانی فنی و دانشی:** برخی نهادها فاقد نیروی انسانی متخصص، کارآمد و دارای دانش کافی برای اجرای دقیق و نوآورانه قوانین هستند (مانند نداشتن متخصصان رفاه اجتماعی یا جمعیت‌شناسی در برخی دستگاه‌ها).

۳-۴- علل نظارتی و حقوقی

- **ضعف در پایش و ارزیابی¹¹:** هیچ نهاد مستقلی به صورت مستمر و نظام‌مند، عملکرد دستگاه‌ها را بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی ارزیابی نمی‌کند. محتوای گزارش‌های عملکرد منتشرشده توسط خود دستگاه‌ها اغلب تبلیغاتی-توجیهی بوده و فاقد عمق تحلیلی هستند.
- **عدم وجود ضمانت اجرایی قوی:** قوانین جاری فاقد ضمانت اجراهای کافی برای نهادهای متخلف هستند. برای مثال، اگر سازمانی به تکلیف خود در تخصیص مسکن عمل نکند، هیچ جریمه یا مسئولیت مشخصی برای آن پیش‌بینی نشده است. این امر به «بی‌هزینه بودن» تعهدگریزی دامن می‌زند.

بخش چهارم: بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۴-۱- جمع‌بندی و بحث در یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که مسئله اصلی در نیل به اهداف قوانین جمعیتی ایران، نه ضعف در ذات قوانین، که در فاز اجرا و نظارت نهفته است. پدیده تعهدگریزی نهادی یک مسئله تک‌بعدی نیست، بلکه حاصل ترکیب پیچیده‌ای از موانع ساختاری، سیاسی-بودجه‌ای، فرهنگی-سازمانی و نظارتی است که یک چرخه معیوب را ایجاد کرده‌اند.

¹⁰ Accountability

¹¹ Monitoring & Evaluation

- **ضعف ساختاری** (پراکندگی مسئولیت) منجر به عدم انسجام در عمل می‌شود.
 - **ناپایداری سیاسی و بودجه‌ای**، انگیزه و توان اجرایی را از دستگاه‌ها سلب می‌کند.
 - **فرهنگ سازمانی نامناسب**، مقاومت در برابر تغییر را دامن می‌زند.
 - **نظام نظارتی ضعیف**، این چرخه معیوب را تداوم بخشیده و هزینه‌ای برای «ترک فعل» متصور نمی‌سازد.
- این پژوهش در پاسخ به سؤال اصلی خود (قانونی بدون حامی؟) استدلال می‌کند که این قوانین در عمل با عدم حمایت نهادی مواجه هستند. دستگاه‌های متولی یا به دلیل موانع فوق فاقد توانایی و ظرفیت اجرای کامل قانون هستند و یا به دلیل عدم وجود مکانیزم‌های نظارتی و ایجاد انگیزه قوی، فاقد اراده لازم می‌باشند.
- ۴-۲- پیشنهادات سیاستی عملیاتی**
- بر اساس تحلیل علل چهارگانه، پیشنهادات زیر در سطوح مختلف ارائه می‌گردد:
- الف) پیشنهادات برای قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی)**
۱. **تمرکز و تجمیق:** تدوین و تصویب لایحه اصلاحی برای ایجاد یک ستاد فرماندهی واحد تحت نظر رئیس‌جمهور (مانند معاونت جوانی جمعیت در نهاد ریاست جمهوری) با اختیارات تام هماهنگی، نظارتی و بودجه‌ای بر کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط.
 ۲. **شفاف‌سازی و پالایش:** الزام دولت به تهیه و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی شفاف، دقیق و دارای ضرب‌الاجل برای تمامی مواد قانونی فاقد آیین‌نامه، حداکثر ظرف ۶ ماه.
 ۳. **تقویت ضمانت‌های اجرایی:** اصلاح قوانین و گنجاندن ضمانت اجراهای مشخص (مانند جریمه مالی برای دستگاه‌های متخلف، معرفی مدیران قصورکننده به مراجع قضایی و انتظامی) برای مواردی مانند ترک فعل.
- ب) پیشنهادات برای قوه مجریه (دولت):**
۱. **تأمین مالی پایدار:** ضمانت تأمین اعتبارات مورد نیاز این قوانین در لوایح بودجه سنواتی و ایجاد ردیف بودجه مستقل و حفاظت‌شده که در طول سال مالی قابل جذب برای مصارف دیگر نباشد.
 ۲. **ایجاد سامانه یکپارچه اطلاعاتی:** طراحی و راه‌اندازی یک سامانه ملی اطلاعات جمعیت و خانواده برای شناسایی دقیق جامعه هدف، پرداخت هدفمند تسهیلات و پایش دقیق نتایج.

۳. توانمندسازی نیروی انسانی: اجرای برنامه‌های آموزشی تخصصی برای مدیران و کارشناسان دستگاه‌های مرتبط در حوزه جمعیت، خانواده و ارزیابی تاثیر.

(ج) پیشنهادات برای نهادهای نظارتی (دیوان محاسبات، سازمان بازرسی):

۱. پایش فعال و مستمر: ایجاد واحد تخصصی نظارت بر اجرای قوانین جمعیتی در این نهادها و تهیه گزارش‌های ادواری شفاف و عمومی از عملکرد هر دستگاه بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی از پیش تعریف‌شده.

۲. اعلام عمومی نتایج: انتشار عمومی اسامی دستگاه‌های موفق و ناموفق به عنوان ابزاری برای ایجاد انگیزه اجتماعی و فشار افکار عمومی برای بهبود عملکرد.

۳-۴- پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی

۱. مطالعه تطبیقی: انجام مطالعات تطبیقی با کشورهای موفق در زمینه معکوس روند کاهش نرخ باروری (مانند فرانسه، سوئد و روسیه) و استخراج درس‌های آموخته شده با در نظر گیری بستر خاص اجتماعی-فرهنگی ایران.

۲. تحلیل کیفی عمیق: انجام تحقیقات کیفی (مصاحبه‌های عمیق) با مدیران ارشد و میانی دستگاه‌های متولی برای فهم بهتر موانع درونی و انگیزه‌های درک شده توسط آنها.

۳. ارزیابی تاثیر: انجام پژوهش‌های پیمایشی برای سنجش دقیق میزان اثرگذاری اجرای هر یک از مواد قانون بر نگرش و رفتار جمعیتی گروه هدف (مانند قصد ازدواج و فرزندآوری)

۴-۴- محدودیت‌های پژوهش

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش، متکی بودن بر داده‌های ثانویه و اسناد رسمی بود. دسترسی به داده‌های دست اول، گزارش‌های داخلی دستگاه‌ها و انجام مصاحبه با تصمیم‌گیران اصلی می‌توانست عمق تحلیل را افزایش دهد. همچنین، پیچیدگی و گستردگی موضوع باعث شد تا برخی ابعاد ریزتر کمتر مورد کنکاش قرار گیرد.

منابع:

۱. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مصوب ۱۴۰۰. مجلس شورای اسلامی.

۲. قانون تسهیل ازدواج جوانان، مصوب ۱۳۹۰ و اصلاحات بعدی. مجلس شورای اسلامی.
۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۱). گزارش تحلیلی بر عملکرد قانون جوانی جمعیت پس از یک سال از تصویب. گزارش شماره: ۱۸۲۵۷.
۴. دیوان محاسبات کشور (۱۴۰۲). گزارش عملکرد بودجه‌ای دستگاه‌های اجرایی در حوزه خانواده و جمعیت در سال ۱۴۰۱.
۵. صادق پور، محمدجعفر. (۱۴۰۲). تأملی در رویکرد جدید مقنن نسبت به سقط جنین در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰. مطالعات زن و خانواده دوره ۱۱ بهار ۱۴۰۲ شماره ۱ (پیاپی ۲۸)
۶. پورصدقی، رضا و نفیسی راد، معصومه. (۱۴۰۳). نقش امکان جبران در حرج با رویکردی بر نقد ماده ۵۶ قانون جمعیت. فقه و اصول (Fiqh va uşūl), 56(3), 83-108. doi: 10.22067/jfiqh.2023.58234.0
7. Pressman, J. L., & Wildavsky, A. (1984). Implementation: How great expectations in Washington are dashed in Oakland. University of California Press.
8. North, D. C. (1990). Institutions, institutional change and economic performance. Cambridge University Press.